

## تحلیل شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری در راستای توسعه گردشگری در جزیره هرمز

حَنّانه محمدی کنگرانی<sup>۱</sup>، دانشیار منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه هرمزگان و عضو هیأت علمی مرکز پژوهشی

جنگل‌های حرا

فاطمه رفیعی شاهم‌آبادی، کارشناس ارشد اکوتوریسم، دانشگاه هرمزگان

مهدی میرزاده کوهشاهی، استادیار جغرافیا، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان

معصومه محرر، استادیار مدیریت جهانگردی، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

### چکیده

توسعه گردشگری در جزیره هرمز با توجه به قابلیت‌های فراوان گردشگری، رو به افزایش بوده و زنان در آن، به‌طور مستقیم و بدون واسطه از گردشگران پذیرایی می‌کنند. با توجه به تصویب کلیات لایحه الحاق جزیره هرمز به منطقه آزاد قشم در مجلس شورای اسلامی و افزایش ورود گردشگران، سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی به این جزیره، امکان ایجاد تضادهایی میان توسعه و ساختارها و شبکه‌های عرفی و سنتی موجود در میان زنان جزیره هرمز وجود دارد. براین اساس، ضروری است که شبکه روابط میان زنان جزیره هرمز که در فعالیت‌های گردشگری به‌طور گسترده‌ای اشتغال دارند، بررسی گردد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری جزیره هرمز با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌ای انجام شد و داده‌های مورد نیاز با پرسش از زنان شاغل در بخش گردشگری (شامل ۱۳ نفر زنان شاغل در بخش آشپزی و ۱۰ نفر زنان شاغل در بخش صنایع دستی) و بخش غیرگردشگری (شامل هشت نفر زنان شاغل در بخش خیاطی) جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار اکسل شده و شبکه‌ها با استفاده از نرم‌افزار ویژن و بر اساس شاخص‌های مرکزیت درجه درونی، درجه بیرونی، بردار ویژه و جایگاه، ترسیم و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که زنان شاغل در بخش گردشگری نسبت به زنان شاغل در بخش غیرگردشگری دارای ارتباطات گسترده‌تری هستند، اما شاغل بودن در بخش گردشگری یا غیرگردشگری تأثیری در میزان قدرت این زنان نداشته و قدرت آن‌ها ناشی از نحوه سازمان‌دهی و ارتباطات‌شان با کانون‌های قدرت خارج از جزیره است.

**کلیدواژه‌ها:** شبکه روابط زنان، گردشگری، جزیره هرمز، تحلیل شبکه‌ای، مرکزیت.

## مقدمه

در ایران امکان توسعه گردشگری و بوم‌گردی وجود دارد؛ زیرا ایران از نظر تنوع اقلیمی و زیستی جزء پنج کشور برتر جهان است و از نظر تاریخی و فرهنگی بین ۱۰ کشور برتر جهان قرار دارد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). جزیره هرمز یکی از جزایر استان هرمزگان است که به علت موقعیت جغرافیایی (مجاورت با تنگه هرمز)، آن را کلید خلیج فارس می‌دانند.

این جزیره دارای قابلیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری فراوانی است که مورد توجه گردشگران و بوم‌گردان بسیاری قرار گرفته است. موقعیت ویژه جغرافیایی جزیره هرمز، طبیعت زیبا و فریبنده، هوای معتدل و بهاری در فصول پاییز و زمستان، در حالی که بیشتر نقاط کشور در پوشش برف و سرما فرو رفته است، هم‌چنین سواحل شنی یا صخره‌ای و پلاژهای طبیعی با جاذبه‌های خاص و جاذبه‌های بوم‌گردی، این جزیره را به بهشت گردشگری در فصل‌های سرد سال تبدیل کرده است (یزدانی‌نژاد و امینی، ۱۳۹۳: ۲۸).

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران نیز بخش هرمز با مرکزیت شهر هرمز، دارای ۵۸۶۷ نفر جمعیت (۱۳۴۵ خانوار) است که شامل ۲۹۱۱ مرد و ۲۹۵۶ زن است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و در مقایسه با نتیجه سرشماری سال ۱۳۸۵ (۵۷۱۴ نفر) ۰/۵ درصد افزایش جمعیت داشته است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان، ۱۳۹۰).

در این جزیره زنان در دو بخش گردشگری و غیرگردشگری مشغول به کار هستند. اشتغال زنان جزیره در بخش گردشگری به دو صورت است:

۱. زنان شاغل در بخش آشپزی، که از سال ۱۳۸۶ شروع به کار کرده و تاکنون آمار آن‌ها در جزیره به ۱۳ نفر رسیده است،

۲. زنان شاغل در بخش صنایع دستی (طراحی با خاک‌های رنگی روی شیشه) که با مدیریت و آموزش دکتر احمد نادعلیان و در موزه<sup>۱</sup> وی مشغول به کار هستند و به همین واسطه با گردشگران زیادی در ارتباط هستند، تاکنون ۱۰ نفر در این بخش فعالیت داشته‌اند.

در بخش غیرگردشگری نیز زنان شاغل در گروه خیاطی قرار دارند که از نوروز ۱۳۹۴ در یک گروه هشت نفره و با مدیریت و نظارت مدیر اجرایی بازارچه نوروزی زنان<sup>۲</sup> در یک کارگاه خیاطی مشغول به کار هستند. اشتغال در این کارگاه، یک شغل دائمی برای زنان محسوب می‌شود که در ازای آن ماهیانه دستمزد مشخصی دریافت می‌کنند و محصولات تولیدی در این کارگاه، برای عرضه به گردشگران نیست و برای فروش به تهران فرستاده می‌شود.

از نکات قابل توجه این‌که برخلاف سایر جزایر و روستاهای استان که در آن‌ها زنان نقشی پشت پرده و غیرمستقیم در ارتباط با گردشگران و ارائه خدمات به آن‌ها دارند، در جزیره هرمز زنان به‌طور مستقیم و بدون واسطه از گردشگران پذیرایی می‌کنند. هم‌چنین در این جزیره، زنان علاوه بر اشتغال در بخش گردشگری و ایفای نقش در فعالیت‌های اقتصادی، در تربیت فرزندان و وظایف اجتماعی درون خانواده نیز با توجه به ساختار سنتی این جزیره، بسیار مؤثرند.

با توجه به این‌که کلیات لایحه الحاق جزیره هرمز به منطقه آزاد قشم در جلسه مورخ ۹۳/۴/۱۸ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است و این امر می‌تواند ورود گردشگران و سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی را به این جزیره، سرعت بخشد؛ امکان

۱. موزه و نگارخانه دائمی احمد نادعلیان در جزیره هرمز، محلی است که آثار این هنرمند محیطی شناخته‌شده در عرصه‌های بین‌المللی در آنجا به نمایش درآمده‌اند. این موزه، محلی است که نادعلیان در آنجا به زنان جزیره آموزش می‌دهد تا با خاک‌های رنگی نقاشی کنند. آن‌ها پس طی دوره آموزشی، آثار خود را در جزیره به گردشگران می‌فروشند یا به تهران می‌فرستند و با شرکت در نمایشگاه‌ها، آثار را به هندوستان عرضه می‌کنند.

۲. در ایام نوروز ۱۳۹۴ بازارچه‌ای از محصولات دست‌پخت و دست‌ساز زنان در پارک شهدای هرمز برپا شد. پس از اتمام بازارچه، مدیر اجرایی آن، برای زنان شاغل در این گروه به منظور استقلال مالی زنان و کاهش نگرانی‌های اقتصادی آن‌ها و نیز استفاده عموم از هنر آن‌ها، کارگاه خیاطی را راه‌اندازی کرد.

ایجاد تضادهایی میان توسعه و ساختارها و شبکه‌های عرفی و سنتی موجود در میان زنان جامعه میزبان وجود دارد. بنابراین ضروری است مطالعات جامعی درباره شبکه روابط میان زنان شاغل جزیره هرمز صورت پذیرد.

به طور کلی، روابط اجتماعی هسته اصلی جامعه محسوب می‌گردد و موجب می‌شود کنش‌گران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران می‌باشند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند. افراد جامعه در برقراری ارتباط و کمیّت و کیفیت آن یکسان نیستند و تفاوت‌هایی از جنبه‌های مختلف بین آن‌ها وجود دارد، نظیر تفاوت‌های جنسیتی که ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری است که در جریان جامعه‌پذیری و در طول دوره زندگی همواره منجر به جدا شدن جهان اجتماعی مردان و زنان شده است (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۹۰).

از آنجایی که زنان زیادی در ارتباطات مشارکت می‌کنند و شبکه‌ها را برای رشد و پیشرفت شغلی و عملکردهای اجتماعی تشکیل می‌دهند، مطالعه شبکه زنان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به این دلیل فهمیدن چگونگی تشکیل شبکه‌های مؤثر و کارا توسط زنان قابل ملاحظه است (لین هان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۸۲۵). شبکه‌ها دارای انواع متعددی هستند. سه نوع شبکه متفاوت برای زنان قابل تعریف است: شبکه کاری و حرفه‌ای، شبکه‌های درون سازمانی و شبکه آموزشی. شبکه کاری برای زنانی که از لحاظ تخصص و حرفه مشابه هستند و نیز برای تبادل اطلاعات و کمک‌های کاری به یکدیگر، تشکیل می‌شود (حاتمی-نسب و آرامون، ۱۳۸۸: ۸).

سال‌هاست که زنان روستایی در زمینه گردشگری فعالیتی مستمر، اما ناآشکار دارند؛ صنعت گردشگری می‌تواند دریچه‌ای به سوی احیای شخصیت زنان و توانمندسازی آنان در جامعه و دنیای شغلی ایجاد کند (غنیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). اشتغال در بخش گردشگری می‌تواند منافی را برای افراد یا حتی گروه‌هایی از زنان در جوامع خاص به

دنبال داشته باشد. همچنین اشتغال در بخش گردشگری، فرصت‌های متفاوتی را پدید می‌آورد و می‌تواند روابط جنسیتی درون جوامع را تغییر دهد (نجفی‌کانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱). شارپلی<sup>۱</sup> معتقد است که توسعه گردشگری باعث افزایش نقش زنان در جوامع سنتی و دور افتاده می‌شود؛ در حالی که با بررسی مطالعات مختلف می‌توان دریافت که پیامد توسعه گردشگری برای زنان در سکونت‌گاه‌های روستایی بسیار مهم و پیچیده است، زیرا اثرات و پیامدهایی را می‌تواند به دنبال داشته باشد؛ از جمله تغییر در الگوهای سنتی تربیت فرزندان، افزایش فرصت‌های شغلی و پایگاه اجتماعی زنان، ایجاد استقلال و خودکفایی، ایجاد فرصت‌هایی برای کسب موقعیت‌ها و جایگاه مدیریتی و رهبری و افزایش فرصت‌ها برای زنان در فعالیت‌ها و موقعیت‌های جانبی (وثوقی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۰۰).

به طور کلی، زنان نقش کلیدی و مهمی در صنعت گردشگری ایفا می‌کنند؛ برخی از مهمترین هتل‌های جهان با مدیریت زنان اداره می‌شود. نمونه بارز این اثرگذاری در شهرهای شمالی کشور ما مشهود است. علاوه بر این در بیشتر نواحی روستایی کشور، زنان به کارهای دستی چون گلیم‌بافی، حصیربافی، سوزن‌دوزی یا صنایع دستی بومی هر منطقه می‌پردازند که فروش آن‌ها درآمدی قابل توجه برای جامعه میزبان به ارمغان می‌آورد. برای مثال در هنگام ورود به روستای ایبانه، زنان بسیاری در هر کوچه هستند که با فروش صنایع دستی خود، از سرکه و لواشک تا نقره و لباس‌های محلی و غیره به کسب درآمد می‌پردازند (حاتمی‌نسب و آرامون، ۱۳۸۸: ۱۱).

از جمله پیامدهای مهم اجتماعی گردشگری، تأثیر آن بر روابط اجتماعی و الگوهای ارتباطی افراد در جامعه میزبان است که متأسفانه تاکنون کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. این مقاله با هدف شناسایی و تحلیل شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری و مقایسه این شبکه‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌ای انجام شده است. براین اساس، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش است که چه

تفاوتی از لحاظ قدرت، جایگاه و میزان ارتباطات میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری در جزیره هرمز وجود دارد؟

### مبانی نظری

تحلیل‌گران شبکه برآنند تا به جای بررسی اعتقادات مربوط به بایدها و نبایدهای رفتاری، قواعدی را بررسی کنند که انسان‌ها و جمع‌ها عملاً در قالب آن‌ها رفتار می‌کنند. از این حیث، تحلیل‌گران شبکه می‌کوشند تا از تبیین‌های هنجاری رفتار اجتماعی اجتناب ورزند. آن‌ها هر تبیینی را که فرآیند اجتماعی را به عنوان مجموعه خصیصه‌های شخصی و هنجارهای درونی‌شده کنشگران فردی در نظر می‌گیرد، به عنوان تبیین‌های غیرساختاری رد می‌کنند.

تحلیل‌گران شبکه کار خود را با این برداشت ساده، ولی نیرومند آغاز می‌کنند که کسب و کار اصلی جامعه‌شناسان، بررسی ساختار اجتماعی است. بی‌واسطه‌ترین شیوه بررسی یک ساختار اجتماعی، تحلیل الگوی پیوندهایی است که اعضای جامعه را به هم پیوند می‌زند. تحلیل‌گران شبکه در پی بررسی ساختارهای عمیق یعنی بررسی الگوهای شبکه‌ای منظمی که در زیر پوشش ظاهری غالباً پیچیده نظام‌های اجتماعی وجود دارند، هستند. کنشگران و رفتارشان را باید تحت الزام این ساختارها در نظر گرفت. بنابراین، توجه این نظریه نه بر کنشگران با اراده، بلکه بر الزام ساختاری است (ولمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۴۶). در واقع، کنشگران خودشان را در یک ساختار اجتماعی می‌بایند. این ساختار اجتماعی همانندی‌های اجتماعی آن‌ها را تعیین می‌کند و این همانندی‌ها نیز به نوبه خود ادراکات آن‌ها را درباره مزایای احتمالی هر یک از گزینه‌های کنشی شکل می‌دهد. در عین حال، ساختار اجتماعی نیز توانایی کنشگران را در اتخاذ کنش‌ها به نحو متفاوتی مقید می‌سازد؛ بنابراین کنش‌هایی که اتفاق می‌افتد، کارکرد مشترک کنشگرانی هستند که در حد توانایی‌شان در پی منافع خود گام برمی‌دارند؛ در ضمن این ساختار اجتماعی است که توانایی و منافع آن‌ها را الگوبندی می‌کند. دست آخر آن‌که کنش‌هایی که تحت الزام

ساختار اجتماعی رخ می‌دهند، می‌توانند خود ساختار اجتماعی را نیز تعدیل کنند و این تعدیل‌ها، قابلیت دارند که الزامات جدیدی را به وجود آورند که کنشگران می‌بایست در قالب آن ساختار با آن‌ها مواجه شوند (فورت و دوگرتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۳۰۰).

ولمن از منظر رویکرد شبکه به بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی بر روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد و از نظر وی، افراد کمک‌ها و حمایت‌های متنوعی را از اعضای شبکه‌شان دریافت می‌کنند. انواع حمایت‌های اجتماعی که ولمن از آن‌ها نام می‌برد، عبارتند از: حمایت عاطفی، حمایت مالی، حمایت اطلاعاتی، حمایت خدماتی و کاری و حمایت مشورتی. ویژگی‌های شبکه از نظر ولمن عبارتند از: دامنه، مرکزیت، و نقش‌ها (ولمن، ۱۹۹۲: ۱۲).

به طور کلی، شبکه‌سازی عبارت است از ساخت و پرورش ارتباطات شخصی و حرفه‌ای برای ایجاد سیستمی از اطلاعات، تماس‌ها و پشتیبانی‌ها که همه این موارد، برای موفقیت فردی و شغلی ضروری است (وایتینگ و دی جاناز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۱۵). تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های شبکه‌ای به فرآیند جامعه‌پذیری ویژه هر جنس و نیز دیدگاه‌های جامعه‌پذیری آن‌ها بازمی‌گردد (آدیس و ماهالیک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۱۰).

درواقع، نقش‌های زنانه بیشتر وابستگی عاطفی به دیگران را نمایش می‌دهند و نقش‌های مردانه بیشتر برای فردگرایی و اقتدار ارزش قائلند (بیکر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۵۰)؛ از زنان انتظار می‌رود که برای روابط میان‌فردی اهمیت بسیاری قائل باشند، نسبت به دیگران حساس‌تر باشند و نسبت به مردان به حمایت اجتماعی بیشتری نیاز داشته باشند. با این وجود بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان در استفاده ابزاری از رابطه شبکه‌ای برای دست‌یابی به موقعیت‌های بهتر، موفق‌تر از زنان عمل کرده‌اند؛ به طوری که در برخی پژوهش‌ها موفقیت بیشتر مردان در ارتقای شغلی، به استفاده کارتر

---

1. Forrett and Dougherty

2. Whiting and De Janasz

3. Addis and Mahalik

4. Bakker

آن‌ها از شبکه‌ها نسبت داده شده است (کنینگ و مونتمارکوت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۲۲۱). اگرچه فورت و دوگرتی<sup>۲</sup> تفاوت قابل توجهی را میان زنان و مردان در استفاده از شبکه‌ها نیافتند (۲۰۰۱: ۳۰۲)، با این حال نتایج پژوهش‌های بسیاری نشان از این دارد که موانع بسیاری وجود دارند که استفاده زنان از شبکه‌ها را محدود می‌سازند. این پژوهش‌ها، بیشتر به جداماندگی زنان از شبکه‌ها تأکید داشته‌اند (دیویس نتزلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۳۵۰؛ لاینس و تامپسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰: ۹۰).

مطالعات متمرکز درباره زنان و نقش آن‌ها در گردشگری کمیاب هستند. درحالی که زنان با توجه به تجربه فراوان‌شان دارای پتانسیل زیادی برای کمک به امرار معاش موفق خانواده و پیش‌برد گردشگری پایدار زیست‌محیطی در مناطق روستایی هستند. در گذشته زنان روستایی به کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن می‌پرداختند، اما امروزه بر اثر پیشرفت صنعت و تکنولوژی، حتی در روستاهای کشورهای درحال توسعه نیز مشاغل غیرکشاورزی توسعه یافته است. بنابراین نه تنها در برنامه‌ریزی‌ها توجه به عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خاص روستایی لازم است، بلکه به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، لزوم برنامه‌ریزی صحیح برای اشتغال زنان در بخش غیرکشاورزی، به‌ویژه به دلیل ویژگی‌های فیزیولوژیکی و روانی زنان ضروری به نظر می‌رسد (غنیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۹). در این راستا، شماری از تحقیقات صورت گرفته مربوط به جایگاه و نقش زنان در گردشگری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ترن و والتر<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) مشارکت زنان در یک پروژه بوم‌گردی در شمال ویتنام را با استفاده از ابزار تجزیه و تحلیل جنسیتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که وجود یک دیدگاه جنسیتی هماهنگ و عادلانه درخصوص زنان و مردان در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های بوم‌گردی می‌تواند مزایای مثبت بسیاری برای زنان محلی در پی داشته باشد. آن‌ها نتیجه‌گیری نمودند که توانمندسازی زنان منجر به‌کارگیری منصفانه نیروی کار زن

1. Cannings and Montmarquette

2. Forrett and Dougherty

3. Davies Netzley

4. Lyness and Thompson

5. Tran & Walter



و مرد، و به تبع منجر به افزایش درآمد، اعتماد به نفس و مشارکت تمامی جامعه شده و نقش، رهبری جدیدی را برای زنان به ارمغان می‌آورد.

وثوقی و قاسمی (۱۳۹۳) پژوهشی را با هدف ارزیابی ارتباط میان بوم‌گردی و توانمندسازی زنان و ارتباطات میان‌شان در روستای شیب‌دراز واقع در جزیره قشم انجام دادند و در این راستا از روش‌های پیمایشی مانند مشارکت و پرسش‌نامه بهره جستند. یافته‌ها نشان داد که توسعه بوم‌گردی در این روستا سبب افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و تغییر نگرش نسبت به توانایی‌های زنان شده و بر روحیه جمع‌گرایی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی زنان این روستا افزوده است. بر این اساس، ارتباطات بیشتری میان زنان شاغل در فعالیت‌های گردشگری در این روستا شکل گرفته است.

مِکنزی جنتری<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی با هدف مقایسه تجارب اشتغال زنان در گردشگری جایگزین، گردشگری انبوه، و کسب‌وکار غیرگردشگری نشان داد که در بلیز<sup>۲</sup>، اشتغال تحت‌تأثیر باورهای سنتی است، به‌ویژه در زمینه تبعیض جنسیتی، اضافه‌کاری، دستمزدهای پایین و سطح سواد پایین. وی نتیجه‌گیری نمود که براساس تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوادگی، تعامل اجتماعی، مالکیت کسب‌وکار و سطوح استقلال، به نظر می‌رسد اشتغال زنان، فرصت‌هایی را برای به چالش کشیدن هنجارها و روابط به دست می‌دهد.

پلنو<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با هدف بررسی نقش پروژه‌های گردشگری در توانمندسازی زنان جامعه محلی دریافت که پروژه‌های بوم‌گردی به فرآیند اجتماعی‌شدن زنان کمک می‌کنند. همچنین این پروژه‌ها با بهبود روابط اجتماعی میان زنان جامعه محلی منجر به افزایش دانش، مهارت و اعتماد به نفس این زنان شده است.

ویلکینسون و پرتیوای<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) پژوهشی را با هدف بررسی ارتباط میان گردشگری و جنسیت در روستایی در اندونزی با تأکید بر نقش‌های جنسیتی و روابط انجام دادند. نتایج

1. Kristine McKenzie Gentry

۲. کشوری در آمریکای مرکزی

3. Pleno

4. Paul F. Wilkinson & Wiwik Pratiwi

نشان داد که گردشگری در این روستا اثرات مثبت و منفی را در پی داشته است؛ اما این اثرات در میان مردم محلی و غیرمحلی و در میان طبقات اجتماعی و اقتصادی، متفاوت بوده است. همچنین هیچ یک از برنامه‌ها و یا پروژه‌های توسعه‌ای این روستا در راستای بهبود کیفیت زندگی زنان نبوده و در آن‌ها، توجه اندکی به نقش‌ها و روابط جنسیتی شده است. همین امر سبب شده است که هیچ توسعه‌ای در راستای بهبود اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کیفیت زندگی در این روستا به استثنای افزایش درآمد، اتفاق نیفتد.

براین اساس، مشاهده می‌شود که یافته‌های تمام تحقیقات یاد شده حاکی از تأثیر توسعه گردشگری بر افزایش روحیه مشارکت زنان، جمع‌گرایی و درگیری بیشتر آن‌ها در روابط اجتماعی است. این پژوهش نیز به مقایسه تأثیر درگیری زنان در فعالیت‌های گردشگری و غیرگردشگری از منظر شبکه‌های ارتباطی پرداخته و اصل را بر رویکرد تحلیل شبکه از منظر ولمن قرار داده و از شاخص‌های مرکزیت برای بررسی انواع حمایت‌های اجتماعی زنان در این شبکه‌ها استفاده نموده است.

### روش پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از رویکرد تحلیل شبکه‌ای استفاده شده است. «تحلیل شبکه‌ای» یکی از روش‌های نوین است که اصل را بر روابط میان فاکتورها قرار داده و با ترسیم شبکه‌های ارتباطی، آن‌ها را تحلیل می‌نماید (محمدی کنگرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸). مهم‌ترین ویژگی این نظریه این است که تفسیر و تحلیل جزئی بر حسب ویژگی‌های موضوعات مستقل را به تفسیر و تحلیل پدیده‌ها برحسب روابط میان کنش‌گران مستقل یک سیستم تبدیل نموده (برگاتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۶۰) و کانون توجه را از افراد و ویژگی‌هایشان به جفت افراد و ارتباطات میان‌شان تغییر داده است (پرخه و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۵۶۰).

1. Borgatti

2. Parkhe

به طور کلی تحلیل شبکه‌ای بیشتر با ریاضیات سروکار دارد تا با آمار و تحلیل کمی. کاربرد ریاضیات در این روش نیز شامل تئوری گراف‌ها و جبر ماتریس‌ها است؛ به این صورت که برای ثبت داده‌ها و اطلاعات از ماتریس‌ها و برای نمایش اطلاعات و داده‌های مربوط به الگوهای ارتباطی از گراف‌ها استفاده می‌شود. در واقع ماتریس‌ها، زبان ورود داده‌ها به نرم‌افزارهای تحلیل شبکه‌ای هستند؛ بر این اساس سطرها، فرستنده‌ها یا انتخاب‌کننده‌ها و ستون‌ها، گیرنده‌ها یا انتخاب‌شونده‌ها می‌باشند (محمدی کنگرانی، ۱۳۸۹: ۳۰).

برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به روابط و نقاط از روش‌های متداول علوم اجتماعی مانند پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده غیرمشارکتی، و اسناد و مدارک استفاده شد (محمدی کنگرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰) و تحلیل داده‌ها با استفاده از مفاهیمی چون مرکزیت، گروه‌بندی و قدرت صورت می‌گیرد (محمدی کنگرانی، ۱۳۹۱: ۸۳).

با توجه به پرسش و هدف این تحقیق و نیز براساس بازدیدهای میدانی صورت گرفته از منطقه مورد مطالعه، این روش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شد؛ چراکه نتایج بازدیدها و مصاحبه‌های نخستین نشان داد که توسعه گردشگری در جزیره هرمز علاوه بر فواید اقتصادی مثبت برای منطقه، تأثیرات اجتماعی نیز در پی داشته است که از مهم‌ترین آن‌ها، ایجاد شبکه‌ها و روابط اجتماعی میان زنان جزیره با گروه‌های خارج از جزیره است. با توجه به اینکه گروه‌بندی میان زنان در این جزیره به دو صورت درون‌جزیره‌ای و برون‌جزیره‌ای شکل گرفته است، از تحلیل شبکه‌ای برای تحلیل این ارتباطات استفاده شد. همچنین چهار شاخص مرکزیت درجه درونی، مرکزیت درجه بیرونی، مرکزیت بردار ویژه و جایگاه به شرح زیر برای تحلیل‌ها انتخاب شدند.

**مرکزیت درجه:** درجه تعداد ارتباطات را نشان می‌دهد؛ هرچه نقطه‌ای مرکزی‌تر باشد، درجه آن بیشتر است. در گراف‌های بی‌جهت تنها تعداد ارتباطات هر فرد مهم است، اما در گراف‌های جهت‌دار، بر حسب جهت گراف، درجه بیرونی یا درونی محاسبه می‌شود؛ درجه بیرونی بیان‌کننده تعداد ارتباطات خارج شده از هر فرد بوده و بیشتر بودن آن نشان‌دهنده تبادل بیشتر، آگاهی بیشتر دیگران از نقطه نظرات فرد و تأثیرگذاری بیشتر

است. درجه درونی نیز شامل تعداد ارتباطات وارد شده به هر فرد بوده و بیشتر بودن آن نشان‌دهنده نفوذ بیشتر فرد بر دیگران است (برندز و ارباخ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۱۲۳).

از این دو شاخص برای تحلیل شدت درگیری زنان در شبکه از منظر میزان مراجعات در حمایت‌های متعدد استفاده شد تا مشخص شود که زنان شاغل در بخش گردشگری از منظر برخورداری از حمایت‌های اجتماعی یکدیگر، چه تفاوتی با زنان شاغل در بخش غیرگردشگری دارند؛ درواقع، مرکزیت درجه درونی و بیرونی امکان مقایسه میزان مراجعات به افراد و حمایت‌شدن آن‌ها توسط دیگران یا حمایت‌کردن‌شان از دیگران را در شرایط متفاوت نشان می‌دهد.

**مرکزیت بردار ویژه:** این مرکزیت در پی یافتن کنش‌گران مرکزی دارای کم‌ترین فاصله از دیگران است؛ بر این اساس نقطه‌ای دارای بیشترین مرکزیت بردار ویژه است که دارای همسایگان مرکزی بیشتری باشد (هنمن و ریدل، ۱۳۹۳: ۱۰۱). از این شاخص به دلیل حضور افراد دارای قدرت و ارتباطات فراوان خارج از جزیره در بخش‌های مختلف گردشگری و غیرگردشگری جزیره هرگز استفاده شده است تا تأثیر ارتباط زنان با این افراد را در قدرت و جایگاه‌شان در شبکه نشان دهد.

**جایگاه:** جایگاه یک رأس برابر است با مجموع تعداد مسیرهای دارای وزن بیشتر که به رأس مذکور منتهی می‌شوند. این مفهوم مرکزیت نیست و جایگاه نقطه را در یک سلسله مراتب نشان می‌دهد (محمدی کنگرانی، ۱۳۸۹: ۲۸). این شاخص نیز با توجه به پرسش تحقیق و برای مقایسه جایگاه و وضعیت زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری جزیره در پی ارتباط داشتن یا نداشتن با کانون‌های قدرت خارج از جزیره مورد استفاده قرار گرفته است.

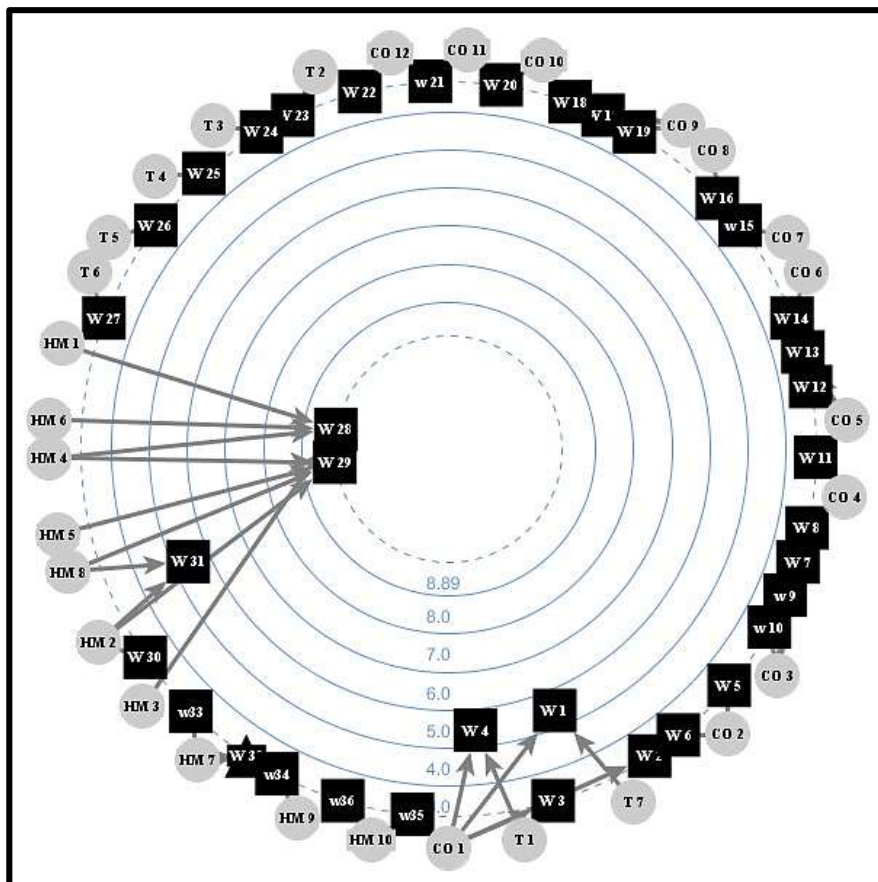
برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز این پژوهش، از پرسش‌نامه استفاده شد. بر این اساس، تمامی زنان شاغل در بخش گردشگری (شامل ۱۳ نفر زنان شاغل در بخش آشپزی و ۱۰ نفر زنان شاغل در بخش صنایع دستی) و بخش غیرگردشگری (شامل ۸ نفر زنان شاغل در بخش خیاطی) که تعدادی از آن‌ها توسط خود زنان از طریق روش گلوله‌برفی

و پرسش فردبه فرد و تعدادی از آن‌ها به واسطه مسئولان شهر شناسایی شدند، به عنوان جامعه آماری انتخاب و از آن‌ها خواسته شد تا پرسش‌نامه طراحی شده را تکمیل نمایند. در این پرسش‌نامه از زنان خواسته شد تا نام و نسبت سایر زنان جزیره را که در هنگام مواجهه با مشکلات کاری به آن‌ها مراجعه می‌کنند، بیان کنند.

در مجموع ۲۹ پرسش‌نامه شامل ۱۲ پرسش‌نامه از گروه آشپزی، ۱۰ پرسش‌نامه از گروه صنایع دستی و ۷ پرسش‌نامه از گروه خیاطی، تکمیل گردید و دو نفر باقی‌مانده (یک نفر از گروه آشپزی و یک نفر از گروه خیاطی) اظهار عدم تمایل به پاسخگویی کردند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، در نرم‌افزار اکسل ماتریسی ایجاد شد که زنان شاغل در سه گروه آشپزی، صنایع دستی و خیاطی، در سطرهای ماتریس و زنان انتخاب شده توسط پرسش‌شوندگان در ستون‌های آن قرار داده شد. ماتریس‌های ایجاد شده، به این صورت تکمیل شدند که در صورت وجود رابطه بین افراد پاسخ‌دهنده با افراد انتخاب شده عدد «۱» و در صورت نبود رابطه، عدد «۰» در سلول‌های مورد نظر قرار داده شد. ماتریس‌ها پس از تکمیل، وارد محیط نرم‌افزار ویژن<sup>۱</sup> شده و سپس شبکه‌ها براساس شاخص‌های مرکزیت درجه درونی، درجه بیرونی، بردار ویژه و جایگاه، ترسیم و مورد تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌ها

شکل ۱ نمایش دایره‌ای شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش‌های آشپزی، صنایع دستی و خیاطی را براساس شاخص مرکزیت درجه درونی نشان می‌دهد. در این شکل زنان شاغل در بخش آشپزی با دوایر قرمز رنگ و با شناسه اختصاری CO، زنان شاغل در بخش صنایع دستی با دوایر سبز رنگ و با شناسه اختصاری HM، زنان شاغل در بخش خیاطی با دوایر آبی رنگ و با شناسه اختصاری T و زنان انتخاب شده با مثلث‌های زرد رنگ و با شناسه اختصاری W مشخص شده‌اند. جدول ۱ نیز مقادیر مرکزیت درجه درونی افراد انتخاب شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمایش دایره‌ای مرکزیت درجه درونی شبکه روابط میان زنان جزیره

جدول ۱. مقادیر شاخص درجه درونی شبکه روابط میان زنان جزیره

مقدار مرکزیت درجه درونی	افراد انتخاب شده
۸/۸۸۹	W 28
۸/۸۸۹	W 29
۴/۴۴۴	W 31
۴/۴۴۴	W 1
۴/۴۴۴	W 4
۲/۲۲۲	سایر زنان انتخاب شده

با توجه به شکل ۱ و هم‌چنین مقادیر جدول ۱ مشاهده می‌شود که افراد W28 و W29 بیشترین مرکزیت درجه درونی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق تحقیقات میدانی به‌عمل آمده و

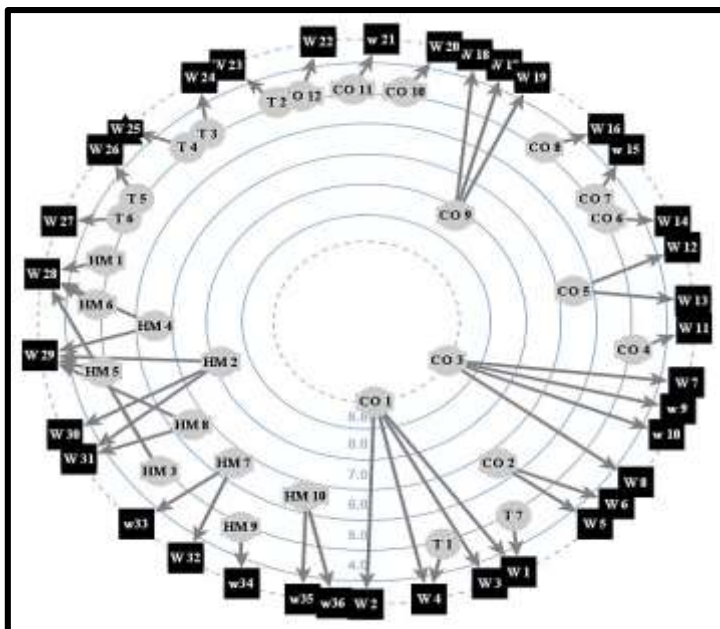
مصاحبه‌های انجام شده، مشاهده شد فرد w28 از زنان شاغل در بخش صنایع دستی و از سابقه‌ها-ترین راهنمایان موزه دکتر نادعلیان است. دو تن از زنانی که ایشان را انتخاب کرده‌اند، از همکاران وی در موزه و هم‌چنین از زنان شاغل در بخش صنایع دستی هستند و نفر سوم نیز صرفاً از زنان شاغل در بخش صنایع دستی است. فرد w29 نیز از زنان شاغل در بخش صنایع دستی و از سابقه‌ترین راهنمایان موزه دکتر نادعلیان است که افراد زیادی در هنگام مواجهه با مشکلات کاری، او را انتخاب کرده‌اند؛ البته اساس این انتخاب‌ها، علاوه بر روابط دوستانه، روابط خانوادگی نیز بوده است. نیمی از افرادی که وی را در هنگام مواجهه با مشکلات کاری انتخاب کرده‌اند، از دوستان وی و از راهنمایان موزه هستند و سایر افراد انتخاب‌کننده ایشان، از زنان شاغل در این بخش و از اعضای خانواده وی بوده‌اند. براین اساس، مشاهده می‌شود که این افراد در میان راهنمایان موزه و زنان شاغل در این بخش، افرادی کلیدی، بانفوذ و تأثیرگذار محسوب می‌شوند. افراد w1، w31، w4 در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. فرد w31 نیز از زنان شاغل در بخش صنایع دستی و فرد w1 و w4 از زنان شاغل در بخش خیاطی هستند که اساس انتخاب هر سه نفر، روابط خانوادگی بوده است.

با توجه به این‌که بیشترین مرکزیت‌ها، ابتدا به زنان شاغل در بخش صنایع دستی و سپس زنان شاغل در بخش خیاطی اختصاص یافته، مشاهده می‌شود که از بین سه گروه زنان شاغل در بخش آشپزی، صنایع دستی و خیاطی، بیشترین ارتباط کاری ابتدا میان زنان شاغل در بخش صنایع دستی (گردشگری) و به‌خصوص راهنمایان موزه دکتر نادعلیان و سپس میان زنان شاغل در بخش خیاطی (غیرگردشگری) وجود دارد، اما هیچ‌گونه ارتباط کاری میان زنان شاغل در بخش آشپزی (گردشگری) دیده نشد.

دلیل این امر می‌تواند ناشی از ماهیت آشپزی و انجام آن به صورت خانوادگی در این جزیره باشد؛ درواقع آشپزی شکل گرفته در این جزیره به عنوان یک شغل برای زنان، دارای همان ساختار آشپزی سنتی است که زنان خود جزیره راه‌اندازی کرده‌اند و به صورت خانوادگی انجام می‌شود؛ یعنی با همکاری مادر و دختران و عروس‌ها. بنابراین، زنانی که مسئول این گروه‌های آشپزی خانوادگی و سنتی هستند، در زمان بروز مشکل به زنانی از خانواده خود مراجعه می‌کنند که با هم زندگی کرده، عمدتاً شغل مشخصی ندارند و تنها در خانه به آشپزی مشغولند.

درباره خیاطی و صنایع دستی، ماهیت شکل‌گیری متفاوت است و از سوی افرادی بیرون از جزیره سازمان‌دهی شده است؛ بنابراین ماهیت کار به صورت گروهی و با ساختاری غیرسستی شکل گرفته است. خیاطی در بازارچه به صورت گروهی و در زمینه صنایع دستی، در موزه و به صورت دسته‌جمعی. با توجه به اساس انتخاب‌ها، مشاهده می‌شود روابط خانوادگی در انتخاب‌های زنان از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که زنان در هنگام مواجهه با مشکلات کاری در وهله اول اعضای خانواده خود را انتخاب می‌کنند که این وضعیت با ساختارهای اجتماعی سستی در کشور ما هماهنگ است و می‌تواند از نکات مثبت شبکه‌های ارتباطی در این‌گونه جوامع باشد.

شکل ۲ نمایش دایره‌ای شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش‌های آشپزی، صنایع دستی و خیاطی را براساس شاخص مرکزیت درجه بیرونی و جدول ۲ نیز مقادیر مرکزیت درجه بیرونی افراد انتخاب‌کننده را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمایش دایره‌ای مرکزیت درجه بیرونی شبکه روابط میان زنان جزیره



جدول ۲. مقادیر مرکزیت درجه بیرونی شبکه روابط میان زنان جزیره

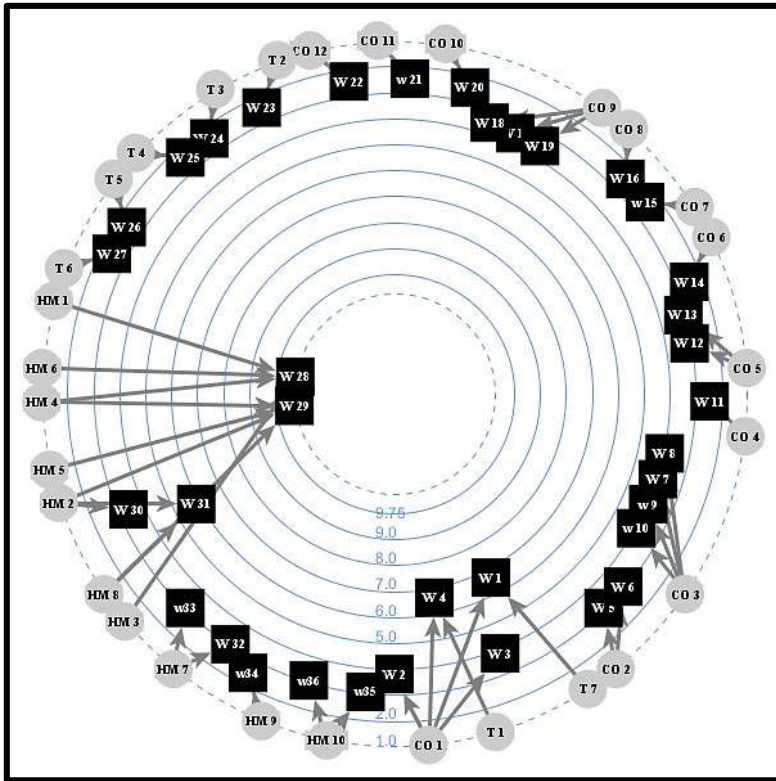
میزان مرکزیت درجه بیرونی	افراد انتخاب کننده	میزان مرکزیت درجه بیرونی	افراد انتخاب کننده
۴/۴۴۴	HM 4	۸/۸۸۹	CO 1
۴/۴۴۴	HM 7	۸/۸۸۹	CO 3
۴/۴۴۴	HM 8	۶/۶۶۷	CO 9
۴/۴۴۴	HM 10	۶/۶۶۷	HM 2
۲/۲۲۲	سایر زنان انتخاب کننده	۴/۴۴۴	CO 2
		۴/۴۴۴	CO 5

با توجه به شکل ۲ و هم‌چنین مقادیر جدول ۲ مشاهده می‌شود که افراد CO1 و CO3 بیشترین مرکزیت درجه بیرونی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق تحقیقات میدانی به‌عمل آمده و مصاحبه‌های انجام شده، مشاهده شد که فرد CO1 از باسابقه‌ترین و اصلی‌ترین تهیه‌کنندگان غذا در جزیره و فرد CO3 نیز از زنان شاغل و فعال گروه آشپزی است. بنابراین این افراد در میان زنان شاغل در بخش گردشگری و بخش غیرگردشگری جزیره، دارای ارتباطات گسترده‌ای هستند و افرادی تأثیرگذار محسوب می‌شوند. در جایگاه دوم افراد CO9 و HM2 قرار دارند. فرد CO9 از زنان شاغل در گروه آشپزی و فرد HM2 نیز از زنان شاغل در بخش صنایع دستی و از راهنمایان موزه دکتر نادعلیان است. در جایگاه‌های بعدی زنان شاغل در آشپزی و صنایع دستی (گردشگری) قرار دارند و در نهایت سایر زنان در یک رده قرار دارند.

همان‌طور که در شکل ۲ و جدول ۲ مشاهده می‌شود زنان شاغل در بخش خیاطی (غیرگردشگری) در رده آخر و هم رده سایر زنان قرار گرفته‌اند؛ به این معنی که زنان شاغل در این گروه علی‌رغم ارتباط کاری گسترده‌ای که با همکاران خود دارند، دارای ارتباطات محدودتری نسبت به سایر زنان شاغل در جزیره هستند؛ در واقع زنان این گروه، اگرچه عمدتاً توسط همکاران خود در بخش خیاطی انتخاب شده‌اند، اما هرکدام تنها یک نفر را به عنوان مراجعه‌کننده در رفع مشکلات کاری انتخاب کرده‌اند که این انتخاب شده‌ها نیز با هم مشترک نیستند. در واقع، هرکدام از این زنان، به افرادی جداگانه مراجعه کرده و هیچ فردی نیست که مورد مراجعه دو نفر از زنان این گروه باشد. نتایج نشان می‌دهد که در میان زنان شاغل در جزیره، زنان شاغل در بخش گردشگری (گروه

آشپزی و صنایع دستی) نسبت به زنان شاغل در بخش غیرگردشگری (گروه خیاطی) دارای ارتباطات گسترده‌تر و تأثیرگذاری بیشتری هستند.

شکل ۳ نمایش دایره‌ای مرکزیت بردار ویژه شبکه ارتباط رسمی میان زنان شاغل در بخش‌های آشپزی، صنایع دستی و خیاطی و جدول ۳ نیز مقادیر مرکزیت بردار ویژه افراد انتخاب‌شده را نشان می‌دهد.



شکل ۳. نمایش دایره‌ای مرکزیت بردار ویژه شبکه روابط میان زنان جزیره

جدول ۳. مقادیر شاخص مرکزیت بردار ویژه شبکه روابط میان زنان جزیره

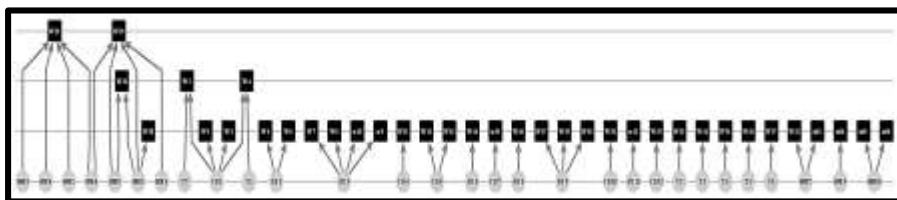
مقدار مرکزیت بردار ویژه	افراد انتخاب شده
۹/۷۴۸	W 28
۹/۷۴۸	W 29
۵/۶۲۲	W 1
۵/۶۲۲	W 4

با توجه به شکل ۳ و هم‌چنین مقادیر جدول ۳ مشاهده می‌شود که افراد w28 و w29 دارای بیشترین میزان مرکزیت بردار ویژه هستند. طبق تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده، مشاهده شد این افراد از زنان شاغل در بخش صنایع دستی و از راهنمایان موزه دکتر نادعلیان هستند. بنابراین این افراد به‌واسطه ارتباط مستقیم با دکتر نادعلیان، در میان زنان شاغل این بخش، دارای بیشترین قدرت هستند و براین اساس، از سوی عمده زنان شاغل در بخش صنایع دستی (گردشگری) یعنی هم‌گروه‌های خود انتخاب شده‌اند. در جایگاه بعدی، افراد w1 و w4 قرار دارند. این افراد از زنان شاغل در گروه خیاطی (غیرگردشگری) و هم‌چنین از زنان حاضر در بازارچه نروزی زنان هستند. به‌همین واسطه این افراد دارای ارتباطات گسترده‌ای با مدیر اجرایی بازارچه نروزی زنان هستند و از سوی زنان شاغل در این بخش و نیز یکی از زنان شاغل در گروه آشپزی (گردشگری) انتخاب شده‌اند.

بنابراین، این افراد علاوه بر هم‌گروه‌های خود از سوی افراد سایر گروه‌ها نیز انتخاب شده‌اند که این امر می‌تواند قدرت آن‌ها را افزایش دهد. از سوی دیگر، این دو فرد از اعضای یکی از خانواده‌های اصلی و شناخته‌شده شاغل در جزیره هرمز هستند که از سال ۱۳۸۶ و به‌صورت خانوادگی در بخش‌های مختلف جزیره اعم از تهیه غذا، سه‌چرخه، خیاطی و فرش خاکی مشغول به کار هستند. به‌همین واسطه این دو فرد دارای ارتباطات گسترده‌ای با مدیر اجرایی پروژه فرش خاکی و بازارچه نروزی زنان هستند.

بر این اساس، مشاهده می‌شود که این افراد به‌واسطه ارتباط با مدیر اجرایی بازارچه نروزی به‌عنوان کانون قدرت، در میان زنان شاغل در این بخش و سایر بخش‌ها، دارای بیشترین قدرت هستند. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که در میان زنان شاغل در جزیره، زنان شاغل در گروه صنایع دستی و خیاطی به ترتیب به دلیل ارتباط با کانون‌های قدرت، دارای بیشترین قدرت شدند. هم‌چنین مشاهده می‌شود که روابط و گروه‌های خانوادگی، اساس اصلی انتخاب‌ها است و بر هم‌گروه بودن و نیز شاغل بودن در بخش گردشگری و غیرگردشگری اولویت دارد.

شکل ۴ نمایش سلسله مراتبی شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش‌های آشپزی، صنایع دستی و خیاطی و جدول ۴ نیز مقادیر شاخص جایگاه مربوط به افراد انتخاب شده را نشان می‌دهد.



شکل ۴. نمایش سلسله مراتبی شاخص جایگاه شبکه روابط میان زنان جزیره

جدول ۴. مقادیر شاخص جایگاه شبکه روابط میان زنان جزیره

مقدار شاخص جایگاه	افراد انتخاب شده
۸/۸۸۹	W 28
۸/۸۸۹	W 29
۴/۴۴۴	W 31
۴/۴۴۴	W 1
۴/۴۴۴	W 4
۲/۲۲۲	سایر زنان انتخاب شده

با توجه به شکل ۴ و همچنین مقادیر جدول ۴ مشاهده می‌شود که هم‌چنان افراد W28 و W29 در بالاترین جایگاه و افراد W4، W31 و W1 در جایگاه دوم قرار گرفته‌اند که با نتایج محاسبات پیشین مشابه است. در واقع، بالاترین جایگاه مربوط به ۳ نفر از زنان شاغل در گروه صنایع دستی (گردشگری) و پس از آن مختص به ۲ نفر از زنان شاغل در گروه خیاطی (غیرگردشگری) است. سایر زنان نیز دارای جایگاه یکسانی هستند. همین امر نشان می‌دهد عمده زنان شاغل این جزیره اعم از شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری در جایگاه یکسانی قرار گرفته‌اند و اختلاف جایگاه قابل توجهی میان آن‌ها از منظر روابط کاری وجود ندارد. این امر می‌تواند ناشی از ساختار شکل‌گیری متمایز گروه‌های خیاطی و صنایع دستی از آشپزی باشد؛ چراکه همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، گروه آشپزی به صورت سنتی و خودجوش در این جزیره شکل گرفته است.

### نتیجه‌گیری

جمع‌بندی یافته‌های فوق در شبکه روابط میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری نشان می‌دهد که ارتباط کاری میان زنان شاغل در گروه صنایع دستی (گردشگری) و خیاطی (غیرگردشگری) وجود دارد، اما هیچ‌گونه ارتباط کاری میان زنان شاغل در گروه آشپزی (گردشگری) وجود ندارد و از نکات منفی شبکه روابط میان زنان شاغل جزیره است. یکی از دلایل این اختلافات و عدم همکاری میان زنان شاغل در گروه آشپزی را می‌توان نبود یک مدیریت واحد بر این گروه دانست، زیرا زنان شاغل در دو گروه صنایع دستی و خیاطی که در میان آن‌ها ارتباطات کاری گسترده‌ای وجود دارد، به ترتیب زیر نظر مدیریت دکتر نادعلیان و مدیر اجرایی بازارچه نروزی زنان هستند.

در پاسخ به پرسش پژوهش که چه تفاوتی از لحاظ قدرت، جایگاه و میزان ارتباطات میان زنان شاغل در بخش گردشگری و غیرگردشگری وجود دارد، نتایج نشان می‌دهد که از لحاظ میزان ارتباطات، زنان شاغل در بخش گردشگری نسبت به زنان شاغل در بخش غیرگردشگری دارای ارتباطات گسترده‌تری هستند. همچنین این ارتباطات عمدتاً ناشی از روابط خانوادگی میان این زنان است. اما از لحاظ قدرت، نتایج نشان می‌دهد که قدرت زنان شاغل در گروه صنایع دستی، به‌ویژه راهنمایان موزه دکتر نادعلیان و گروه خیاطی، به واسطه ارتباط با افراد غیربومی خارج از جزیره، بالاتر از سایر زنان است. همچنین از لحاظ جایگاه نیز این دو گروه که ارتباط کاری گسترده‌ای میان آن‌ها وجود دارد، از جایگاه بالاتری برخوردارند.

مشاهده می‌شود که شاغل بودن در بخش گردشگری یا غیرگردشگری تأثیری در میزان قدرت این زنان نداشته و قدرت آن‌ها ناشی از نحوه سازمان‌دهی و ارتباطات‌شان با کانون‌های قدرت خارج از جزیره است. در جایی که گروه‌های کاری را افرادی خارج از جزیره شکل داده‌اند (مانند صنایع دستی و خیاطی)، تلاش شده تا سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی برای ایجاد درآمد اقتصادی بر پایه ارتباطات درون‌گروهی صورت گیرد که در مورد گروه صنایع دستی، این وضعیت موفقیت‌آمیزتر بوده است. اما وضعیت زنان

شاغل در بخش آشپزی، کاملاً متفاوت است و اساس آن، ارتباطات خانوادگی و سنتی موجود میان زنان جزیره می‌باشد. براین اساس، ماهیت ارتباطات و قدرت در این بخش متفاوت‌تر از دو بخش صنایع دستی و خیاطی است؛ تاجایی که گاهی زنان شاغل در این بخش، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند از سایر زنانی که شاغل در این بخش هستند که این امر می‌تواند ناشی از حس رقابت میان برخی از این زنان باشد.

پیشنهاد می‌شود با توجه به قابلیت‌های فراوان گردشگری در جزیره و حضور پررنگ زنان در این‌گونه فعالیت‌ها، در وهله اول، پیش از هر گونه اقدامی در زمینه جذب گردشگر، برنامه‌ریزی جامعی درباره شناخت وضعیت زنان صورت گیرد و با توجه به وضعیت خاص ایجادشده در بخش آشپزی، تلاش شود که این گروه زیر نظر یک مدیریت واحد قرار بگیرد. وجود یک مدیریت موجب افزایش همکاری و تقسیم کار میان آن‌ها در راستای توسعه و گسترش گردشگری منطقه می‌شود. در ثانی، با توجه به پتانسیل‌های شبکه‌های اجتماعی ضروری است برنامه‌ریزی جامعی برای استفاده از توانایی‌های آن‌ها برای معرفی جاذبه‌های جزیره صورت گیرد.

## منابع

باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰. صص ۶۳-۹۵.

حاتمی‌نسب، حسن؛ آرامون، هاجر. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر تشکیل شبکه‌های اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان؛ مطالعه موردی: پرستاران زن بیمارستان‌های شهرستان یزد». هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.

غنیان، منصور؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ مطیعی لنگرودی، حسن؛ زرافشانی، کیومرث. (۱۳۸۹). «تحلیل ابعاد گردشگری روستایی با رویکرد جنسیتی از دیدگاه جامعه‌میزبان؛ مطالعه موردی: منطقه اورامان». زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). شماره ۳. صص ۱۰۹-۹۳.

محمدی‌کنگرانی، حنا. (۱۳۸۹). «تحلیل شبکه‌ای؛ روشی جدید برای حل مسائل مدیریتی و سیاستی در راستای توسعه صنعتی». فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی. شماره ۱۴. صص ۲۳-۳۳.

محمدی کنگرانی، حنا. (۱۳۹۱). «معرفی تحلیل شبکه‌ای و کاربردهای آن در مدیریت و سیاست‌گذاری منابع طبیعی؛ مطالعه قانون برنامه چهارم توسعه». مجله حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی. شماره ۱. صص ۷۹-۹۲.

محمدی کنگرانی، حنا؛ شایسته، اردشیر؛ حلی‌ساز، ارشک؛ غنچه‌پور، دیبا. (۱۳۹۳). «اثرات گسترش طبیعت‌گردی بر شبکه‌های ارتباطی میان ساکنان روستا؛ مطالعه موردی: روستای طبل / جزیره قشم». فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی هرمزگان. شماره ۸ و ۹: صص ۱۱۸-۱۰۷.

محمدی کنگرانی، حنا؛ حلی‌ساز، ارشک؛ معینی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی شبکه همکاری میان نهادهای دولتی و مردمی رسمی در اجرای پروژه‌های آبخیزداری و نقش آن در کاهش فرسایش خاک؛ مطالعه موردی دهستان برنظین، استان هرمزگان». فصلنامه پژوهش‌های فرسایش محیطی. شماره ۱. صص ۵۸-۴۵.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). دسترسی در سایت [www.amar.org](http://www.amar.org).

معاونت برنامه‌ریزی استانداری هرمزگان. (۱۳۹۰). نشریه روند تغییرات جمعیت استان هرمزگان با تأکید بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.

نجفی‌کانی، علی‌اکبر؛ مهدوی، شهرام؛ سوری، فرشاد. (۱۳۹۱). «ارزیابی و تحلیل نقش گردشگری روستایی در توسعه کارآفرینی زنان؛ مطالعه موردی: روستای زیارت، شهرستان گرگان». همایش ملی توسعه روستایی رشت.

وثوقی، لایلا؛ قاسمی، مهدیه. (۱۳۹۳). «اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی؛ مورد مطالعه: روستای شیب‌دراز، جزیره قشم». فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۲. شماره ۴. صص ۶۱۰-۵۹۳.

هاشمی، نیلوفر. (۱۳۸۹). «نقش اکوتوریسم در توسعه پایدار روستایی». فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۳. صص ۱۸۸-۱۷۳.

هنمن، روبرت آلبرت؛ ریدل، مارک. (۱۳۹۳). درآمدی بر روش شبکه‌های اجتماعی. ترجمه: حنا محمدی کنگرانی و الهام محمدی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه هرمزگان.

یزدانی‌نژاد، یوسف؛ امینی، محمدرضا. (۱۳۹۳). جزیره تاریخی هرمز بهشت زمین‌شناسی. چاپ اول. انتشارات تعالی اندیشه.

Addis, M.E. & Mahalik, J.R. (2003), "Men, masculinity, and the contexts of help seeking", *American Psychologist*, 58(1):5-14.

Bakker, A.B., Demerouti, E. & Schaufeli, W.B. (2002), "Validation of the Maslach Burnout Inventory – general survey: an internet survey", *Anxiety, Stress and Coping*, 15(3):245-60.

Borgatti, Stephen p., 2005, "Centrality and Network Flow", *Social Networks* 27, 55-71.

Brandes, U., Erlebach, Th., 2005, *Network analysis-Methodological foundations*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.

Cannings, K. and Montmarquette, C. (1991), "Managerial momentum – a simultaneous model of The career progress of male and female managers", *Industrial & Labor Relations Review*, 44(2):212-28.

Davies Netzley, S.A. (1998), "Women above the glass ceiling", *Gender & Society*, 12(3):337-54.

Forrett, M.L. and Dougherty, T.W. (2001), "Correlates of networking behavior for managerial and professional employees", *Group & Organization Management*, 26(3):283-310.

Linehan, M., 2001, "Networking for female managers", *career development: Empirical evidence*", *Journal of Management Development* 20, 823 – 829.

Lyness, K.S. and Thompson, D.E. (2000), "Climbing the corporate ladder: do female and male executives follow the same route?" *Journal of Applied Psychology*, 85(1):86-101.

McKenzie Gentry, Kristine, 2007, Belizean women and tourism work opportunity or impediment?, *Annals of Tourism Research* 34, 477–496.

Parkhe, Arvind, Wasserman, Stan, Ralson, David A., 2005, *New Frontiers in Network Theory Development*, *Academy of Management Review*, 31 (3), 560-568.

Pleno, M.J.L. 2006. Ecotourism projects and women empowerment: A case study in the Province of Bohol, Philippines.

Tran, Linh, Walter, pierre, 2014, Ecotourism, gender and development in northern Vietnam, *Tourism Research* 44, 116-130.

Wilkinson, Paul F., Pratiwi, Wiwik, 1995, Gender and tourism in an Indonesian village, *Annals of Tourism Research* 22, 283-299.

Wleeman, B. 1992. *Network into the global village*. Boulder, Co: Westwood.

Whiting, V.R. and De Janasz, S.C. (2004), "Mentoring in the 21st century: using the internet to 66 build skills and networks", *Journal of Management Education* , Vol. 28 No. 3, pp. 27.